



یتیم

کلیدواژه: یتیم ، سرپرست، اموال ، بلوغ ، رشد، امتحان ، اسراف نکردن، شاهد.
پرسش: معنای آیه: «و ابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح» چیست؟
پاسخ: خداوند در این آیه به سرپرستان یتیمان دستور می‌دهد که مواظب اموال آنان باشند و از سرمایه‌هایشان نگهداری کنند؛ **یتیمان** را در ایام سرپرستی تا سن بلوغ و رشد، مورد آزمایش قرار دهند و پس از آن‌که مشاهده کردند آنان به سن بلوغ و **رشد** رسیدند، اموالشان را به آنان باز گردانند؛ این **آزمایش** از آن‌رو است تا معلوم شود که به سن بلوغ و **ازدواج** رسیده و برای تصرف اموال خود و صرف آن در مصالح فردی و مصالح اجتماعی از رشد کافی برخوردارند. از خوردن و اسراف کردن **مال یتیم** خودداری نمایند؛ اگر **سرپرست** دارای مال و سرمایه است، هیچ حقی از مال **یتیم** برای خود نگیرد و اگر **فقیر** است، به قدر متعارف و ضروری زندگی از مالی که پیش او است، مزد بگیرد.
بنابراین سرپرستان **ایتام**، موظفاند که **عقل**، فهم و صلاحیت آنان را آزمایش کنند و در صورتی که عقلشان به مرحله **کمال** رسیده باشد، ثروتشان را در اختیارشان بگذارند.

فهرست مندرجات

- ۱ - شأن نزول آیه مزبور
- ۲ - معنای واژه ابتلاء
- ۳ - معنای فعل "أنستم"
- ۴ - معنای جمله "فادفعوا..."
- ۵ - معنای جمله "حتی إذا بلغوا النکاح..."
- ۶ - معنای بلوغ و رشد در آیه
- ۶.۱ - روایتی از امام صادق
- ۷ - ترجمه آیه مزبور
- ۸ - حفظ مال یتیم
- ۹ - ضرورت شاهد گرفتن، هنگام تحویل مال یتیم
- ۱۰ - چگونگی امتحان یتیم
- ۱۱ - پانویس
- ۱۲ - منبع

شأن نزول آیه مزبور

شأن نزول آیه مورد پرسش، [۱] ثابت بن رفاعه و عموی او است. رفاعه پدر ثابت از **دنیا** رفت و ثابت درحالی‌که کوچک بود، **یتیم** شد. عموی او نزد پیغمبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - آمد و پرسید برادرزاده‌ام در کفالت من است، تا چه حد مجازم در مالش تصرف کنم و چه زمانی باید اموالش را به او برگردانم؟ این‌جا بود که این آیه نازل شد. [۲]
برای روشن شدن حکم مسئله، نخست واژه‌های کلیدی آیه را معنا کرده، سپس به اصل مطلب می‌پردازیم.

معنای واژه ابتلاء

واژه "ابتلاء" که مصدر فعل امر "ابتلوا" است، به معنای امتحان است؛ [۳] مراد از بلوغ **نکاح**، رسیدن فرد به سنین ازدواج است؛ پس در حقیقت تعبیر از "رسیدن نکاح" مجازی است عقلی.

معنای فعل "أنستم"

فعل "أنستم" از مصدر "ایناس" گرفته شده و به معنای مشاهده‌ای است که بویی از الفت و **مهربانی** در معنای آن نهفته باشد؛ [۴] [۵] چون ماده آن یعنی ثلاثی مجردش "انس" است. کلمه "رشد" به معنای پختگی و رسیده شدن میوه عقل است. [۶]

معنای جمله "فادفعوا..."

جمله "فادفعوا..." کنایه از این است که **مال یتیم** را باید به دست خود او داد و اگر به‌جای "فادفعوا" کلمه "فادفعوا" را آورد، برای همین بود که هم معنای تحویل دادن را برساند و هم **کنایه** از این باشد که رحمت و مسئولیت او را از سر خود رفع کنید؛ پس این تعبیر در عین این‌که تعبیری است پیش پا افتاده، کنایه‌ای لطیف هم دربردارد.

معنای جمله "حتی إذا بلغوا النکاح..."

جمله "حتی إذا بلغوا النکاح..." متعلق به جمله "وابتلوا..." است و معنایش این است که یتیم را بیازمایید و این آزمایش باید از زمان تمیز دادن همچنان ادامه داشته باشد تا به سن ازدواج برسد، آن‌گاه اگر دیدید که رشد عقلی یافته، مالش را به دست خودش بدهید. پس این تعبیر تا حدی دلالت بر استمرار آزمایش دارد، و این را می‌رساند که کودک یتیم وقتی که می‌خواهد به حد تمیز و **عقل** برسد؛ یعنی به‌حدی برسد که بشود مورد آزمایشش قرار داد، او را مورد **آزمایش** قرار دهید و این آزمایش تا حد ازدواج ادامه داشته باشد.

طبع مسئله نیز این اقتضا را دارد؛ چراکه با یک یا دو مرتبه امتحان نمی‌توان رشد کودک را تشخیص داد؛ بلکه باید این آزمایش تکرار شود تا رشد در کودک مشاهده شود؛ چون کودک بعد از حد تمیز، کم‌کم به حد "رهاق"، [۷] و سپس به حد "ازدواج" و آن‌گاه به حد "رشد" می‌رسد. [۸]

معنای بلوغ و رشد در آیه

بنابراین معنای مجموع آیه این است که یتیم را آزمایش کنید، و اگر رشد را در او مشاهده کردید، پس اموالش را به وی بدهید. این سبک سخن به ما می‌فهماند که رسیدن به سن ازدواج **علت نامه** برای واگذاری مال یتیم به او نیست؛ بلکه مقتضی آن است. وقتی علت، تامه می‌شود و یتیم می‌تواند مستقلاً در مال خود دخل و تصرف نماید که به حد رشد هم رسیده باشد؛ چراکه در تصرفات مالی علاوه بر بلوغ، رشد نیز شرط است. از این‌جا روشن می‌شود که **اسلام** مسئله بلوغ را در همه‌جا به یک معنا نگرفته، در مسئله عبادات و امثال حدود و **دیانت**، بلوغ را رسیدن به سن شرعی یعنی سن ازدواج دانسته؛ اما نسبت به تصرفات مالی و اقرار و امثال آن، شرط دیگری را هم اضافه کرده و آن رسیدن به حد رشد است، و این خود از لطایفی است که اسلام در مرحله **تشریح** قوانین خود، به کار برده است؛ چراکه اگر مسئله رشد را شرط نمی‌کرد و در تصرفات مالی و امثال آن رشد را معتبر نمی‌دانست، نظام زندگی اجتماعی افرادی؛ مانند یتیم مختل می‌ماند. [۹]

← روایتی از امام صادق

در روایتی از امام صادق از معنای رشد در آیه مورد بحث سؤال شد، حضرت فرمود: رشد، توان و **قدرت** بر حفظ مال است. [۱۰]

ترجمه آیه مزبور

بنابراین سرپرستان ایتم، موظفاند که عقل یتیمان را از لحاظ فهم و صلاحیت اقتصادی آزمایش کنند و در صورتی که عقلشان به مرحله **کمال** رسیده باشد، ثروتشان را در اختیارشان بگذارند. [۱۱]

حفظ مال یتیم

یکی دیگر از مسائلی که خداوند به اولیای ایتم الزام می‌نماید، این است که باید خیلی مواظب مال آنان باشند و از خوردن و **اسراف** کردن مال یتیم خودداری نمایند؛ اگر سرپرست دارای مال و سرمایه است، هیچ حقی از مال یتیم برای خود نگیرد و اگر **فقیر** است، به قدر متعارف و ضروری زندگی، از مالی که پیش او است، مزد بگیرد.

[۱۲] [۱۳] [۱۴] البته اگر **سرمایه** یتیم ناچیز است و قابل توجه نیست، از آن چیزی برندارد. [۱۵]

ضرورت شاهد گرفتن، هنگام تحویل مال یتیم

مسئله دیگر، این است که پس از آن‌که یتیم به حد **رشد** رسید، هنگام تحویل مالش شاهد و گواه بگیرید! اگرچه خداوند برای گواهی کافی است؛ اما این گواه و **شاهد** گرفتن از دو جهت می‌تواند قابل توجه باشد؛ یکی از آن‌رو تا در آینده، خود **یتیم** و صاحب مال ادعایی در رابطه با حیث و میل کردن سرمایه‌اش از جانب **سرپرست** و کفیلش نداشته باشد و جهت دیگر در مقابل مردم و **جامعه** است که اگر شایعانی را در این رابطه درست کردند، سندی برای دفاع داشته باشد.

چگونگی امتحان یتیم

در پایان گفتنی است که در کیفیت **امتحان** یتیم اختلاف است. بعضی می‌گویند: کودکان یتیم دو گروه‌اند، یا پسرند یا دختر. اگر پسر باشد، امتحانش به این است که سرپرست، خرج یک ماه یا کمتر را به دست او دهد و به او بگوید که چگونه صرف کند و او را رها کند و آن‌گاه بنگرد تا چگونه آن را صرف کرده است. اگر درست خرج کرده معلوم می‌شود که رشید است، مالش را به او بدهد و اگر برخلاف این باشد، هنوز به مرحله رشد نرسیده است؛ اما اگر دختر بود، کارهای منزل و کارهای زنانه به او واگذار کند و چگونگی آن را برایش توضیح دهد و ببیند توان درست **عمل** کردن در آن را دارد، اگر درست عمل کرد، دختر رشیده است، مالش را به او واگذار کند و اگر نه، نگاه دارد تا رشیده شود. [۱۶]

پانویس

- ↑ نساء (۴)، آیه ۶؛ «و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید! و پیش از آنکه بزرگ شوند، اموالشان را از روی اسراف نخورید! هرکس که بی‌نیاز است، (از برداشت حق الزحمه) خودداری کند و آن‌کس که نیازمند است، به طور شایسته (و مطابق زحمتی که می‌کشد)، از آن بخورد و هنگامی که اموالشان را به آنها بازمی‌گردانید، شاهد بگیرید! اگرچه خداوند برای محاسبه کافی است...» [۱]
- ↑ اسباب النزول، ترجمه، ذکوانی، علی‌رضا، ص ۷۸، نشر نی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
- ↑ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۸۲، واژه " ابتلاء." [۲]
- ↑ طباطبایی، سیدمجدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه، موسوی همدانی، مجدباقر، ج ۴، ص ۲۷۳، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش. [۳]
- ↑ امین، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۴، ص ۱۷، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش.
- ↑ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۱۷۵، واژه " ابتلاء." [۴]
- ↑ سن بین کودکی و جوانی است در حقیقت نوجوانی است. فرهنگ ابجدی، ۸۰۲، ذیل واژه "رهب." [۵]
- ↑ طباطبایی، سیدمجدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه، موسوی همدانی، مجدباقر، ج ۴، ص ۲۷۵، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش. [۶]
- ↑ طباطبایی، سیدمجدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه، موسوی همدانی، مجدباقر، ج ۴، ص ۲۷۵، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش. [۷]
- ↑ حر عاملی، وسائل الشریعة، ج ۱۹، ص ۲۶۹، آل البیت، قم، ۱۴۰۹ ق؛ «و عَنْ یُوسُفَ بْنِ یَعْقُوبَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْلُ اللَّهِ فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشِدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ أَكْ شَيْءِ الرُّشْدِ الَّذِي يُؤْتَسُّ مِنْهُ قَالَ حَفِظَ مَالِهِ» [۸]
- ↑ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان ۴۲۴، تحقیق، ستوده، رضا، ج ۵، ص ۲۹، انتشارات فراهانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش.
- ↑ بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، تحقیق، مجد عبد الرحمن، المرعشلی، ج ۲، ص ۶۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول.
- ↑ امین، سیده نصرت، مخزن العرفان، ج ۴، ص ۱۸، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ ش.
- ↑ حر عاملی، وسائل الشریعة، ج ۱۷، ص ۲۵۸، آل البیت، قم، ۱۴۰۹ ق؛ «عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ مَالِ الْيَتِيمِ إِنْ عَمِلَ بِهِ الَّذِي وَضَعَ عَلَى يَدَيْهِ صَمْنًا وَ لَبْتِيمًا رِيحُهُ قَالَ فَلَنَا لَهُ قَوْلُهُ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ قَالَ إِذَا خَسِنَ نَفْسُهُ عَلَيْهِمْ فِي أَمْوَالِهِمْ فَلَمْ يَجِدْ لِنَفْسِهِ فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ مِنْ مَالِهِمْ» [۹]
- ↑ شیخ طوسی، التمهید، ج ۶، ص ۲۴۱، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ ش؛ «... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي الصَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَقَالَ... إِذَا كَانَ يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْوَالُهُمْ، فَإِنْ كَانَ الْمَالُ قَلِيلًا فَلَا يَأْكُلْ مِنْهُ سَتِينًا.» [۱۰]
- ↑ ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق، یاحقی، مجد جعفر، ناصح، مجد مهدی، ج ۵، ص ۲۵۱، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۸ ق.

منبع

پایگاه اسلام کوئینست. [۱۱]

